

آثار خسارات زیست محیطی نفت و گاز بر حاکمیت دولت های دارنده آنها در حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

درسای خسرو جردی

دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

چکیده

این مقاله با هدف بررسی آثار خسارات زیست محیطی نفت و گاز بر حاکمیت دولت های دارنده آنها در حقوق بین الملل تدوین شده است. مولفه های متعددی بر اصل حاکمیت دولتها در حوزه حقوق بین الملل تأثیرگذار می باشد که از مهمترین آنها می توان به برخورداری از منابع طبیعی نفت و گاز اشاره کرد که برخورداری از آن برای کشورهای دارنده آن ها موجب می شود تا آنها در حوزه های متعدد سیاسی و اقتصادی از وسعت عمل بیشتری برخوردار باشد ولی از سوی دیگر با توجه به مخاطرات زیست محیطی ناشی از استفاده از این منابع این دولت ها مجبور به کاهش اعمال صلاحیت خود در زمینه استفاده از این منابع زیرزمینی می باشند. بدین ترتیب مسائل اصلی این پژوهش بدین صورت می باشد که آثار خسارات زیست محیطی نفت و گاز بر حاکمیت دولت های دارنده آنها در حقوق بین الملل شامل چه مواردی می گردد؟ این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی وبا استفاده از متون حقوقی و کتابخانه ای به این نتیجه رسید که تعهدات زیست محیطی دولت ها، اصل حفاظت از محیط زیست، اصل احتیاطی، اصل جلوگیری، اصل پرداخت آلوده ساز، در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست و مسئولیت دولت ها ناشی از خسارت به محیط زیست از جمله محدودیت های حاکم بر مفهوم اصل حاکمیت دولت ها بر منابع نفت و گاز در حقوق بین الملل تلقی می شود. براین اساس حاکمیت بر منابع طبیعی نفت و گاز حاکمیتی مطلق به حساب نمی آید و در برخی جهات با محدودیت هایی همراه می باشد چراکه استفاده از این منابع با توجه به عوارض و اثراتی که بر محیط زیست دارد می تواند دولت ها را در حوزه حفظ محیط زیست به عنوان "میراث مشترک بشریت"

مکلف به پرداخت غرامت و همچنین جبران خسارت های وارده به محیط زیست اشاره نمود .

واژگان کلیدی : اصل حاکمیت، دولت ها، منابع نفت و گاز، خسارت، محیط زیست

مقدمه

مؤلفه اصل حاکمیت تحت تاثیر مؤلفه های مختلفی در دوران کنونی قرار گرفته است، به طوری که دسترسی به منابع طبیعی بخصوص منابع طبیعی نفت و گاز تاثیر قابل توجهی بر قدرتمندی کشورها در حوزه های منطقه ای و بین المللی دارد، بدین صورت که از آنجا که همه کشورها و دولتها در پی افزایش قدرت خود هستند براین اساس سعی و تلاش زیادی در زمینه کشف و بهره برداری از میادین نفت و گاز می کنند، چراکه حاکمیت بر منابع نفتی همچنین منابع گازی می تواند نقش قابل توجهی در دستیابی به اهداف ملی در حوزه نظام بین المللی داشته باشد، ولی باید به این مسئله اشاره نمود که حاکمیت بر منابع طبیعی مطلق نمی باشد و مسائلی همچون میراث مشترک بشریت و همچنین حفاظت از حقوق محیط زیست و از سوی دیگر بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز بر روی زمین و همچنین زیر دریا ها و اقیانوس ها از مهمترین مواردی باشد که مسئله حاکمیت را تحت تاثیر قرار داده است. از سوی دیگر باید بیان کنیم که دولت ها با توجه به صلاحیت انحصاری که در حوزه سرزمینی خود دارند، حق بهره برداری از این منابع را در اختیار دارند ولی با توجه به یک سری از مؤلفه های بین المللی نمی توانند به صورت غیرمسئولانه و بی رویه این منابع را مورد استفاده قرار دهند و بدین ترتیب حیات زیست انسان ها و همچنین گونه های جانوری و گیاهی را مورد خطر قرار بدهند، پس باید بیان کنیم تاثیرات زیست محیطی ناشی از استفاده از منابع نفت و گاز باعث محدودیت و یا به عبارتی کاهش حامتی دولت در زمینه استفاده از این منابع گردیده است . بررسی مؤلفه های تاثیرگذار بر بسط و قبض حاکمیت ملی کشورهای دارنده نفت و گاز در حقوق بین الملل از مهم ترین ضرورت های مقاله مذکور به حساب می آید . از سوی دیگر دولت ها می توانند بر اساس اصل حاکمیت حق انحصاری بهره برداری از منابع طبیعی در حوزه سرزمینی خود با توجه به مؤلفه های محیط زیستی بهره برداری و

استفاده قرار دهند. براین اساس بررسی محدودیت های وارد شده بر حاکمیت دولت ها در این زمینه و همچنین تبیین حدود صلاحیت دولت ها در پرتو اصل حاکمیت بر منابع نفت و گاز از مسائل اصلی این مقاله محسوب می شود در این پژوهش به بررسی آثار خسارات زیست محیطی نفت و گاز بر حاکمیت دولت های دارنده آنها در حقوق بین الملل می پردازیم.

بخش اول: مبانی مفهومی

بند اول: مفهوم حاکمیت

حاکمیت به عنوان یکی از ارکان اساسی خصوصیت حقوقی دولت ها محسوب می شود به طوری که از طریق حاکمیت آنان می توانند اقتدار مسلط و حاکمیت بر سرزمین مشخص را اعمال نمایند. بر این اساس باید بیان کنیم که حاکمیت تبیین کننده شخصیت دولت می باشد و به معنای اقتدار برتر شخص حاکم به حساب می آید که در دوران کنونی این حاکمیت در نهادهای حقوقی و سیاسی حکومت بخش و گسترده شده است و دولت از طریق این نهادها به اعمال حاکمیت در محدوده سرزمینی خود فعالیت می کند. حاکمیت باعث می شود که دولت بر کلیه مسائل داخلی و خارجی یک سرزمین تسلط داشته باشد، به طوریکه از دیدگاه نظریه پردازان حقوق بین المللی حاکمیت همان قدرت ذاتی و دائمی حکومت در یک اجتماعی سرزمینی می باشد. (عالم، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

بند دوم: مفهوم شناسی منابع نفت و گاز

واژه نفت^۱ به معنی روغن سنگ از دو واژه یونانی Petra به معنی صخره و Oleum به معنی روغن تشکیل شده است. (نعمت اللهی، ۱۳۹۰: ۲). در فرهنگ فارسی عمید، معنی امروزی نفت مورد توجه قرار گرفته و در مقابل واژه نفت آمده است: "مایعی است قابل احتراق که در اعماق زمین تا ۱۸۰۰ متر پیدا می شود و گاهی در اثر فشار و حرارت درونی زمینی به طرف بالا صعود می کند و به سطح زمین می رسد و برای استخراج آن چاههای عمیق حفر می کنند..." (عمید ۱۳۸۵: ص ۲۴۰۶) از سویی گاز طبیعی ماده ای است بی رنگ و بی بو و سبک تر از هوا که از آن به عنوان سوخت فسیلی تجدیدنپذیر نیز یاد می شود که از بقایای گیاهان و حیوانات دریایی در ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون

۱ - Petroleum

سال پیش تشکیل شده است . (سحابی، ۱۳۸۶ : ۱۸) این بقایا در اعماق زمین مدفون شده و با گذشت زمان و بر اثر گرمای زمین و فشار وارده و فعل و انفعالات شیمیایی تبدیل به گاز طبیعی شده اند . گاز طبیعی خام مرکب از اجزاء مختلفی است که مهمترین بخش آن متان بوده که ماده ای بی رنگ و بو و بی مزه می باشد. منابع نفت و گاز بستر حیات و مهمترین عامل پایداری در توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می رود. منابع نفت و گاز را می توان مجموعه ای از مواهب و ثروت های خدادادی محسوب کرد که به صورت رایگان در اختیار بشر قرار گرفته و آدمی از آن برای تأمین مایحتاج خود بهره می گیرد . منابع نفت و گاز به عنوان منابع تجدید ناشونده محسوب می شوند چراکه با مصرف و بهره برداری چه به صورت درست یا غلط امکان تولید و احیا مجدد در کوتاه مدت آنها وجود ندارد و مدت زمان طولانی و چه بسا میلیون ها سال می کشد تا زمینه تولید و احیا مجدد آنها فراهم شود و طی سالهای طولانی و خارج از نسل حاضر و میلیون ها سال امکان تجدید پذیری وجود دارد . (عباسی، و حجتی، ۱۳۹۲، ص ۹۵)

بند سوم: مفهوم خسارت

کلمه ی خسارت به فتح خا و راء در زبان فارسی مترادف واژه های زیان و ضرر است (دهخدا، ۱۳۷۷، صص ۵۲۴-۵۲۳) و به معنای ۱- ضرر کردن، زیان بردن ۲- زیانکاری، زیانمندی ۳- زیان، ضرر است . (معین ۱۳۸۶ ص ۱۴۱۹) از این رو در معنای زیان گفته شده است زیان به معنی ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و نفع ۲- آسیب و صدمه ۳- نقصان، زیان بردن و ضرر رسانیدن است . (همان منبع، ص ۱۷۶۷) در معنای کلمه ضرر لغت شناسان نوشته اند، ضرر عبارتست از ۱- زیان وارد آوردن ۲- گزند رسانیدن ۳- زیان، خسارت، مقابل نفع ۴- گزند و آسیب (همان منبع ص ۲۱۸۶)

دکتر جعفر لنگرودی در کتاب ترمینولوژی حقوق درباره معنی خسارت آورده است :

الف) مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود .

ب) زیان وارد شده را هم خسارت گویند . (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰)

فرهنگ اصطلاحات حقوق بین الملل در مورد مکانیزم جبران خسارت، این تعریف را ارائه می دهد مکانیزم جبران و ترمیم یک خسارت عبارت است از کلیه اقداماتی که به نفع یک دولت یا سازمان بین

المللی انجام می گیرد تا خساراتی را که به آنها رسیده جبران گردد. منظور و هدف از این اقدامات، برقراری و استقرار وضعی می باشد که قبل از عمل منشأ خسارت وجود داشته است" (مجبی؛ ۱۳۹۲: ۶۴)

بند چهارم: مفهوم پرداخت غرامت^۱

غرامت، شامل مبلغی است، که یک مقصر طرف قرارداد، متعاقب یک خسارت، به شخص ثالث زیان دیده می پردازد. غرامت می تواند شامل پرداخت پول نقد، بازسازی، جایگزینی و تعمیرات باشد. (کاشانی؛ ۱۳۹۳: ۴۸) ماده ۳۶ طرح مسئولیت بین المللی دولتها بعنوان پرداخت غرامت بیان می دارد:

۱- دولت مسئول در نتیجه ارتکاب عمل نامشروع، موظف است که با پرداخت غرامت، خسارت را که به وسیله اعاده وضع سابق قابل جبران نمی باشد، جبران نماید.

۲- غرامت باید کلیه خسارات قابل ارزیابی مالی، از جمله عدم النفع را شامل شود (ضیائی؛ ۱۳۹۳: ۵۳)

بخش دوم: نظریه مالکیت دولت بر منابع طبیعی زیرزمین

این نظریه پس از قانون معادن ناپلئون از سال ۱۹۱۰ در اروپا پذیرفته شد و به موجب آن معادن زیرزمینی متعلق به دولت است. در انگلستان سال ۱۸۱۰ که قانون نفت آن کشور تصویب شد، اصل تعلق معادن به دولت به رسمیت شناخته شده است (موحد، ۱۳۹۳: ۲۱۱) نظریه اول که در مبحث قبلی شرح آن رفت، عملاً در برخی کشورها به خصوص آمریکا بطور گسترده رواج یافت و جزئی از قوانین آنها شد. در سایر کشورهای جهان مالکیت اولیه دولت بر منابع زیرزمینی قطعی است و به عنوان قاعده ای کلی (به استثنای مخازن واقع در خشکی در ایالات متحده آمریکا) منابع طبیعی زیرزمینی در مالکیت دولت ها است. می توان گفت که امروزه به عنوان یک اصل کلی، مساله بهره برداری از منابع طبیعی از جمله نفت، در سراسر جهان مورد توجه و اهتمام بخش عمومی و دولت است. با توجه به اهمیتی که این منابع برای دولت ها دارند، بهره برداری از آنها معمولاً با مباشرت یا مداخله خود دولت انجام می شود. یا خود دولت دارای حق عمومی انحصاری برای اکتشاف و بهره برداری و اکتشاف معادن مانند نفت می

^۱ - indemnity

باشد. (مثلا مالکیت ذخایر معدن توسط دولت، یا مشروط بودن بهره برداری واکتشاف آن به اجازه دولت) یا در مواردی که حق بهره برداری از معدن، ناشی از مالکیت آن است که متعلق به اشخاص خصوصی است و نه دولت، در این مورد هم دولت حق قانونگذاری و نظارت در مورد نحوه استفاده از حق بهره برداری را دارد (مانند وضع مقررات دولتی درباره مخزن و تولید از آن). این حق وضع مقررات، در هر دو حالت مظهر و نمودی است از وظیفه دولت در پیگیری و رعایت منافع عمومی. مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی بزرگ به خوبی نشان می دهد که حق دولت که می تواند یک طرفه و بدون موافقت طرف مقابل، مبنای محاسبه حق امتیاز یا مالیات را تعیین نماید بطور گسترده ای مورد قبول قرار گرفته است و در حقوق داخلی معاصر بسیاری از کشورها، حق تعیین میزان حق امتیاز یا مالیات و امثال آنها به تشخیص و صلاح حدید مراجع دولتی واگذار شده است. بر اساس ماده ۲ قانون نفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۰/۴/۱ منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می باشند و کلیه تأسیسات و تجهیزات و دارایی ها و سرمایه گذاری هایی که در داخل و خارج کشور توسط وزارت نفت و شرکت های تابعه به عمل آمده و یا خواهد آمد، متعلق به ملت ایران و در اختیار حکومت اسلامی خواهد بود. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منابع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که بر اساس مقررات و اختیارات مصرح در این قانون به عهده وزارت نفت می باشد که بر طبق اصول و برنامه ریزی کلی کشور عمل نماید" دولت ها برفضا و اشیاء واقع در قلمرو سرزمینی خود حاکمیت دارند و مقررات و قوانین مالکیتی کشور حاکم بر این محدوده در مورد قضایای حقوقی که در این قلمرو سرزمینی حادث می شوند حکمفرما خواهد بود. فی الواقع، در برخی موارد و در مورد برخی از اشیاء، حاکمیت ها و صلاحیت های ناشی از آنها در عرصه بین المللی با هم تداخل می یابند. در این صورت دو وضعیت متصور است، در شرایطی این تداخل به نفع یکی از دو کشور و حاکمیت مقررات آن کشور بر اشیاء و فضای مورد بحث، خاتمه می یابد و در صورتی که نتوان راه حلی حقوقی در عرصه بین المللی در فیصله دادن به قضیه پیدا کرد، در چنین شرایطی دو کشور با توافق و قرارداد دو جانبه می بایست به راه حل دیگری برسند.

بخش سوم: حقوق ناشی از قاعده حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی نفت و گاز

حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، در حقیقت به مفهوم استقلال اقتصادی کشورها است. در اصل ۱

قطعنامه ۱۹۶۲ آمده است که: "حق حاکمیت دائمی مردم و دولتها بر ثروت ها و منابع طبیعی شان باید در جهت رشد اقتصادی و افزایش رفاه مردم مورد استفاده قرار گیرد" مطابق اصل ۷ قطعنامه ۱۹۶۲ نقض حاکمیت مردم ها و کشورها بر ثروت ها و منابع طبیعی شان با روح و اصول منشور ملل متحد منافات داشته و مانع گسترش دامنه همکاری های بین المللی و حفظ صلح می گردد. در اصل ۳ قطعنامه ۱۹۶۲: "در صورتی که ورود سرمایه خارجی برای مقاصد سابق الذکر مجاز شمرده شود سرمایه خارجی و عایدات حاصل از آن، تابع قوانین جاری کشور و قوانین بین المللی خواهد بود. سود حاصل از سرمایه گذاری خارجی باید به نسبتی که آزادانه میان سرمایه گذاران و دولتهای مربوط توافق شده باشد، بین آنها تقسیم شود. دقت های لازم باید مبذول گردد که به هیچ عنوانی، کوچک ترین لطمه ای به حق حاکمیت دولتهای مربوط، بر ثروت ها و منابع طبیعی شان وارد نیاید" (علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۹۳) از مجموع قطعنامه های فوق الذکر، علی الخصوص قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت ها در سال ۱۹۷۴ در رابطه با حاکمیت دولتها بر منابع طبیعی، حقوق ذیل قابل استخراج است:

الف - حاکمیت) تصرف و آزادی استفاده(در مصرف منابع طبیعی.

۱. در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ حق حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی به عنوان اصلی مسلم فرض شده است و به لوازم و آثار آن پرداخته شده است.

۲. دارندگان حق حاکمیت در این قطعنامه مردم و دولت ها عنوان شده است.

ب - آزادی در تعیین سرنوشت، کنترل، اکتشاف، توسعه، استخراج، بهره برداری، تولید، بازاریابی و فروش برای منابع طبیعی.

۱. وجود این حق برای استفاده از آن در جهت رشد اقتصادی و افزایش رفاه مردم مقرر شده است.

۲. ورود سرمایه های خارجی برای اکتشاف، توسعه و بهره برداری از این منابع باید به گونه ای باشد که هرگاه مردم و دولت ها لازم بدانند این قبیل فعالیت ها را محدود و یا متوقف کنند.(درایتی،

ج - مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی به منظور پیگیری توسعه پایدار بر اساس سیاست های زیست محیطی.

د -تنظیم مقررات برای سرمایه گذاران خارجی که شامل تنظیم مقررات برای پذیرش سرمایه خارجی، مقرراتی برای فعالیت های سرمایه گذران خارجی از جمله دستورالعمل جریان سرمایه و ورود خروج آن است.

۳. سرمایه گذاری خارجی تابع قوانین جاری کشور سرمایه پذیر و قوانین بین المللی خواهد بود. (اصل ۳ قطعنامه ۱۹۶۲. همچنین ر.ک به علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۲: ۱۹۵)

۴. قراردادهایی که بین دولتها و سرمایه گذاری در مورد منابع طبیعی منعقد می گردد در فرضی که آزادانه و بدون تحمیل از سوی یکی از طرف های قرارداد و یا قدرت دیگری انعقاد یافته باشد معتبر است و سود حاصل باید بر طبق آن تقسیم گردد.

۵. قرارداد منعقد با سرمایه گذاری خارجی نباید به هیچ وجه حاکمیت دولت را نسبت به منابع واقع در قلمروش مخدوش سازد.. (درایتی، همان : ۳۹)

ه - حق مصادره و ملی کردن سرمایه های داخلی و خارجی درباره منابع طبیعی.

۱. ملی کردن در فرضی صحیح است که فعالیت سرمایه گذار خارجی مغایر با منافع کشور سرمایه پذیر باشد.

۲. تشخیص این مغایرت با دولتی است که منابع طبیعی در قلمرو او واقع شده است.

۳. دولت ملی کننده باید در برابر اموال مصادره شده غرامت بپردازد.

۴. تعیین میزان غرامت بر حسب قوانین جاری کشور مربوط و قوانین بین المللی صورت خواهد گرفت.

۵. اگر بر سر مبلغ غرامت قابل پرداخت توافقی صورت نگیرد، مراجع قانونی دولت مصادره کننده آخرین مرجع ذی صلاح برای حل و فصل موضوع است.

۶. طرفین دعوی می توانند این موضوع را به حکمیت یا داوری بین المللی واگذار کنند.

۷. استفاده آزاد دولتها از منابع طبیعی خود باید از راه احترام متقابل دولت ها صورت گیرد. (داریتی، همان: ۳۹).

بخش چهارم: تاثیر منابع طبیعی نفت و گاز در قبال خسارات محیط زیست بر محدودیت حاکمیت دولت ها

یکی دیگر از مولفه هایی که تاثیر قابل توجهی بر محدودیت اصل حاکمیت دولتها در استفاده از منابع طبیعی نفت و گاز دارد، مسئله مربوط به محیط زیست و حفظ عناصر جاندار و غیر جانداران می باشد بر این اساس با توجه به اینکه مسئله محیط زیست در کنوانسیون های متعددی مورد توجه قرار گرفته است و در این حوزه بر محدودیت استفاده دولتها در زمینه گاز های فسیلی و گلخانه ای و همچنین کاهش استفاده از منابع سوختی در حوزه نفت و گاز تاکید اساسی شده است. بر این اساس بررسی این مسئله می تواند ابهامات بسیاری که در زمینه تاثیر محیط زیست بر تحدید حاکمیت دولت در حوزه حاکمیت و استفاده از منابع نفتی و گازی را روشن کند.

طبیعت از مهم ترین ارکان حیات بشری به شمار می آید به همین دلیل هم می باشد که در همه ادوار تاریخی محیط زیست مطمح نظر بوده است. ابتدا در حقوق بین الملل معاصر سعی بر حمایت از محیط زیست شده که در قالب حقوق بین الملل محیط زیست تبلور یافت اما عدم کفایت این حمایت و ضرورت حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل های آینده، ایجاد پیوند میان محیط زیست و محدودیت استفاد از منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفت، زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می تواند وسیله ای جهت نیل به صیانت از محیط زیست باشد. از این رو، در چارچوب نسل سوم حقوق بشر حق جدیدی به نام حق بر محیط زیست در اسناد بین المللی حقوق بشری شکل گرفت که در آن محیط زیست به عنوان یک حق انسانی مطرح شده است. این حق نه تنها از مصادیق برجسته حقوق همبستگی است که در نسل سوم حقوق بشر مقوله بندی می شود بلکه همچنین لازمه تحقق بسیاری از حق های بشری مدنی و سیاسی یا اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به شمار می رود (محبی، ۱۳۹۳: ۵۷). براین اساس محیط زیست و صدمات وارده بر آن از مهم ترین دغدغه های جامعه ی بین المللی است و حقوقدانان به دنبال دست یابی به راهکارهای ثمر بخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند.

یکی از این گام‌های موثر، مبحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در استفاده از منابع طبیعی است. خسارات زیست‌محیطی عبارتست از خساراتی که به اشخاص و اشیاء محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود. برخی دیگر نیز این نوع خسارات را شامل خسارت‌های وارد بر اموال و اشخاص و خسارت به خود محیط زیست می‌دانند که در آن تعادل زیست‌محیطی برهم می‌خورد. لذا قربانیان این نوع خسارات می‌توانند طرح دعوا کرده و جبران خسارت نمایند و آلودگی‌ها نیز به معنی وارد کردن مستقیم یا غیرمستقیم مواد، فرآورده‌ها، اورگانیزم‌ها و میکرواورگانیزم‌ها به هواست که تأثیر زیان‌باری بر سلامت انسان‌ها دارد. براین اساس بر این اساس این مسئله در بسیاری از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است به طوری که در بسیاری از کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی بر محدود کردن حاکمیت دولت‌ها در استفاده از منابع طبیعی و احترام به محیط زیست و کاهش خسارات زیست‌محیطی و سوی دیگر بر جبران خسارت وارده بر محیط زیست تأکید شده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

بند اول: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی زیست‌محیطی در کنوانسیون مسئولیت فضا ۱۹۷۲

کنوانسیون مسوولیت فضا در زمینه مسئولیت خسارت به محیط زیست و حقوق انسان در بند الف ماده ۱ این کنوانسیون بیان می‌کند که: «از دست دادن زندگی، صدمات شخصی و یا سایر اختلالات بهداشتی و درمانی، یا فقدان خسارت به اموال ایالات و یا افراد، حقیقی یا حقوقی، یا بر اموال سازمان‌های بین‌دولتی بین‌المللی». (حبیبی، ۱۳۹۱: ۵۴) با این حال، در سال ۱۹۸۴ پروتکل ۱۹۶۹ کنوانسیون مسوولیت مدنی خسارت آلودگی نفت را جبران هزینه اقدامات معقول ترمیمی که باید برای محیط زیست دریایی انجام شود، در نظر می‌گیرد.

بند دوم: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی زیست‌محیطی در اعلامیه ی استکهلم

یکی دیگر از کنوانسیون‌های بین‌المللی که به مساله مسئولیت مدنی دولت‌ها ناشی از آلودگی زیست

محیطی بر مبنای اصل حاکمیت توجه نموده است اعلامیه استکهلم^۱ می باشد این کنوانسیون بر اساس قطعنامه شماره ۲۳۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۳ دسامبر ۱۹۶۸ از ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد در این کنفرانس اسناد بسیار مهمی تصویب شد از جمله این اسناد می توان از اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست حاوی یک مقدمه و ۲۶ اصل و همچنین یک برنامه اقدام مشتمل بر ۱۰۹ توصیه نام برد. برگزاری این کنفرانس نقطه عطفی در زمینه توسعه ی سیاست های بین المللی درباره ی محیط زیست بر مبنای تحدید حاکمیت دولت ها در زمینه استفاده از منابع طبیعی و آلودگی زیست محیطی بود. اصل اول اعلامیه مشتمل بر ذکر حقوق بنیادین انسان نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی همراه با حیثیت و سعادت را بدهد، می باشد. هم چنین او را مسئول حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های حاضر و آینده می داند. نتایج عمده حاصل از کنفرانس در اصول ۲ تا ۷ گنجانده شده است که مباحثی از جمله حفظ و بازسازی منابع تجدید شونده و مسئولیت انسان در حفاظت از گیاهان و حیوانات وحشی و توقف تخلیه مواد سمی و یا مواد دیگر و جلوگیری از آلودگی دریاها را با توجه به مساله حقوق بشر و حمایت از حق حیات سالم بیان می دارد. سایر اصول این اعلامیه بر نقش علوم و تکنولوژی، تبادل اطلاعات بین کشورها و همکاری های بین المللی اختصاص یافته است. اصل ۲۱ بیانیه، مبنا و پایه عرفی حقوق بین الملل محیط زیست تلقی می گردد. این اصل اعلام می دارد: دولتها بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین المللی دارای حق حاکمیت برای بهره برداری از منابع شان، مطابق سیاست های محیط زیستی خود می باشند، و مسئولند ترتیبی دهند تا فعالیتهای انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب زیان به محیط زیست کشورها یا مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آنها نگردد (امیر ارجمند، ۱۳۷۴، ص ۳۳۶) در عین حال که کنفرانس استکهلم اقدام بسیار اساسی در زمینه حفاظت از محیط زیست بود، اما پس از گذشت چند سال مشکلات جدیدی مانند آلودگی های فرامرزی و نتایج آن، به خصوص آلودگی دریاچه ها و از بین رفتن جنگلها، گریبا نگیر محیط زیست گردید که نیاز به وضع مقررات جدید احساس شد. به موجب اصل ۲۱ این اعلامیه دولت، بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهبود برداری از منابع شان، مطابق سیاست های محیط زیستی خود می باشند و مسئول

^۱-Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment

هستند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نشود. به موجب اصل ۲۱ اعلامیه‌ی استکهلم دولت‌ها نه تنها موظف به اتخاذ تدبیر برای واردنیامدن خسارت به محیط زیست کشورهای همسایه هستند بلکه موظف به عدم‌ورود خسارت به مناطق خارج از صلاحیت ملی خود نیز می‌باشند. در این که مراد از فعالیت‌های تحت نظارت چیست؟ و آیا این عبارت تنها برای دارندگان منابع طبیعی ایجاد مسئولیت می‌کند که به دولت‌ها و یا شرکت‌های خصوصی دیگر اجازه استخراج از منابع خود را اعطا کرده‌اند و یا این عبارت حتی برای دولت‌هایی که در کشور دیگر به استخراج منابع مشغول هستند، ایجاد مسئولیت می‌کند بحث می‌باشد.

بند سوم: مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون بین الملل حقوق دریا ۱۹۸۲

از دیگر کنوانسیون‌های بین المللی که به مساله مسئولیت ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت‌ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون بین الملل حقوق دریا ۱۹۸۲ می‌باشد. بر اساس ماده ۲۳۵ کنوانسیون حقوق دریا، به جای واژه خسارت ناشی از آلودگی از LIBILITY و RESPOSIBILITY استفاده می‌شود. علاوه بر آن، بر اساس مواد مشابه دولت‌ها باید "خسارت ناشی از آلودگی" را جبران نمایند. برخی رژیم‌های خاص مسوولیت زیست محیطی، از این تعریف در رژیم‌های خاصی استفاده می‌کنند. به عنوان مثال ماده ۱ (۶) کنوانسیون مسوولیت مدنی در خصوص خسارت ناشی از آلودگی نفتی بر "خسارت آلودگی" اشاره دارد. (مجبی؛ ۱۳۹۲: ۸۴) ماده ۱ (۴) کنوانسیون حقوق دریا اشاره دارد: «انتشار مواد یا انرژی به محیط زیست است که منجر به تأثیرات زیان‌آوری هم چون آسیب به منابع زنده دریایی، تهدید سلامت بشری و اختلال در فعالیت‌های دریایی می‌شود که شامل ماهی‌گیری یا دیگر استفاده‌های قانونی از دریا است»، که این ماده چنین تأثیرات زیان‌آوری از خسارت را بر محیط زیست و انسانها مشخص می‌نماید و بنابراین موجب می‌گردد تا تفاسیر مختلفی از آن به عمل آید. (آرش پور، ۱۳۹۱: ۵۸)

بند چهارم: مسئولیت بین المللی دولت‌ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در منشور

جهانی طبیعت ۱۹۸۲

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است منشور جهانی طبیعت^۱ می باشد به طوری که ۱۰ سال بعد از کنفرانس استکهلم، طرح اولیه منشور جهانی طبیعت تهیه شد و متن نهایی آن شامل یک مقدمه و ۲۴ ماده در ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در مقدمه این منشور آمده که بشریت جزئی از طبیعت است و تمدن ریشه در طبیعت دارد. بقای ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تمدن و نهایتاً حفاظت از صلح به حفاظت از طبیعت و منابع آن بستگی دارد. لذا هر گونه عمل انسان که بر طبیعت اثر بگذارد باید بر اساس اصول این منشور هدایت و مورد قضاوت قرار گیرد. فصل اول این منشور به اصول کلی اختصاص یافته است. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۵۹) در بخش دوم (کارایی ها)، آمده که توسعه اقتصادی اجتماعی دولت ها متضمن حفاظت از طبیعت بوده، با اتلاف منابع طبیعی باید مبارزه شود و اثرات ناشی از فعالیت های مختلف انسان بر طبیعت مورد ارزیابی قرار گیرد. در بخش سوم تحت عنوان (کاربست) یا اجرا مقرر می شود که قواعد مذکور در این منشور در قوانین و عملکرد دولتها وارد شده و در همکاری های بین المللی مورد عمل قرار گیرد. اصول مندرج در این منشور قطعاً از نظر حقوقی الزام آور نبوده ولی به مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، راه آینده را نشان می دهد.

بند پنجم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون ۱۹۸۴ بروکسل

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون بین الملل ۱۹۸۴ بروکسل می باشد در این کنوانسیون بر جلوگیری از خسارت زیست محیطی و حمایت از زندگی سالم و حق حیات در این کنوانسیون معنایی گسترده تر به خود می گیرد. بر اساس این کنوانسیون خسارت زیست محیطی هزینه اقدامات پیش

^۱-World Charter for Nature-

گیرانه و بازدارنده جهت کاهش خسارت و نیز اقدامات معقولی را که به منظور بالا بردن توان مقاومت محیط زیست و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی افراد اتخاذ می شود، پوشش دهد. (موسوی، قیامیان، ۱۳۹۰: ۱۳)

بند ششم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون جنوبگان ۱۹۸۸ یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون تنظیم اقدامات در مورد منابع معدنی جنوبگان ۱۹۸۸ می باشد. این کنوانسیون صریحا به مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی بر اساس اصل حاکمیت اشاره می کند به گونه ای که در بند ۱۵ ماده ۱ این کنوانسیون چنین اشعار می دارد: "هرگونه پیامد و اثر بر بخش های زنده و غیر زنده ی محیط زیست مذکور (جنوبگان) یا اکوسیستم های آن از جمله صدمه به حیات اتمسفری، آبی یا فراسوی آن چه قابل تحمل است یا فراسوی آن چه ارزیابی شده و متفاوت از آن، این بوده که بر اساس کنوانسیون، قابل قبول باشد" (پورهایشمی، ۱۳۹۲: ۶۷) از دیدگاه این کنوانسیون، هزینه های پاک سازی و از بین بردن آلودگی ها و اقدامات لازم برای اعاده وضع به حال سابق را در مواردی که خسارتی به محیط زیست قطب جنوب یا اکوسیستم های مرتبط یا وابسته به آن وارد آید، برای جبران خسارت لازم دانسته است. این کنوانسیون در این رابطه به هزینه های پاک سازی، حذف و اقدامات لازم برای احیای محیط زیست قطب جنوب و یا اکوسیستم وابسته یا مرتبط اشاره می -کند. این سند پرداخت غرامت را به هزینه های معقول و منطقی محدود نکرده، بلکه یک گام جلوتر می -رود و در پاراگراف ۲ (الف) ماده ۸ اظهار می -دارد: «در صورتی که هیچ بازگشتی به وضعیت موجود صورت نگیرد باید غرامت پرداخت شود». در این رابطه در گزارش ششم کمیسیون حقوق بین الملل در زمینه مسوولیت و هم چنین در دستورالعمل کار اجباری و در پیش نویس اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت (اتحادیه جهانی حفاظت)، رویکرد مشابهی یافت می -شود. با این توضیح که در صورت خسارات زیست محیطی، دستورالعمل های تسک فورس به اقدامات جایگزینی برای جبران خسارت زیست محیطی تمایل دارد: «اقدامات برای جایگزینی زیست گاه حفاظت شده خاص»، و ماده ۲۴، پاراگراف (الف) در گزارش ششم گزارش گر ویژه که به موضوع کمیسیون حقوق بین الملل در تعیین مسوولیت مربوط می شود پیشنهاد می -کند که «دولت مبدأ باید هزینه های هر گونه

عملیات منطقی برای بازگرداندن شرایطی را که قبل از وقوع ضرر وجود داشته است تحمل کند. اگر بازگرداندن این شرایط به طور کامل غیر ممکن باشد باید بر سر غرامت مادی یا غیرمادی که دولت منشاء باید برای آسیبی ایجاد شده بپردازد توافق شود» (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۷۲)

بند هفتم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون اسپو ۱۹۹۱

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست محیطی در محیط فرامرزی ۱۹۹۱ (کنوانسیون اسپو) می باشد. هدف این کنوانسیون از ارزیابی تاثیرات زیست محیطی یک فعالیت فراتر رفته و جنبه پیش گیرانه به خود گرفته و از دولت ها می خواهد به طور انفرادی یا جمعی تمامی اقدامات ممکن و مؤثر را برای پیش گیری، کاهش یا کنترل تاثیرات مخرب زیست محیطی فرامرزی با توجه به حقوق بشر به کار گیرند (تقی زاده انصاری، همان: ۴۹) یک تعهد عمومی در زمینه پیش گیری نیز در ماده ۲ پاراگراف ۱ مطرح شده است: "طرفین باید به صورت فردی یا به طور مشترک، تمام اقدامات مناسب و مؤثر برای جلوگیری، کاهش و کنترل تاثیرات جانبی قابل توجه فرامرزی زیست محیطی را از فعالیت های صورت گرفته انجام دهند". آن چه بیش تر قابل توجه است، این که تعهد پیش گیری به آسیب به محیط زیست اشاره دارد، همان طور که در عنوان کنوانسیون پیشنهاد شد و همان گونه که در ماده ۱ پاراگراف (ششم)، (هفتم) و (بخش هشتم) تعریف شده است. پاراگراف (هفت) بسیار مهم است: "تأثیر به معنی هر اثر ناشی از فعالیت های انجام شده بر محیط زیست شامل سلامت و ایمنی انسان، گیاهان، جانوران، خاک، هوا، آب، آب و هوا، چشم انداز تاریخی و بناهای تاریخی و یا دیگر ساختارهای فیزیکی و یا تعامل میان این عوامل. این شامل تأثیر بر میراث فرهنگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی ناشی از تغییرات آن عوامل نیز می-شود. در پاراگراف بعدی می-گوید تأثیر فرامرزی «به معنی هرگونه تأثیر نه منحصرأ از طبیعت جهانی، بلکه در منطقه تحت صلاحیت یک طرف، ناشی از فعالیت هایی که

منشأ فیزیکی آن به طور کامل یا بخشی از آن تحت صلاحیت طرف دیگر قرار دارد"۱

بند هشتم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی برمبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ می باشد. بر اساس این کنوانسیون، فعالیت خطرناک فعالیتی است که در آن یک یا چند ماده خطرناک به میزان بیش تر از مقادیر ذکر شده در پیوست آن وجود داشته باشد که می تواند موجب تأثیرات فرامرزی گردد. این کنوانسیون هم چنین، تعهد کلی برای پیش گیری از بروز آسیب به افراد براساس حقوق انسانی و محیط زیست را مورد تأکید قرار داده و به تعهدات مشاوره، تبادل اطلاعات و اقدامات تقنینی، اجرایی و مالی اعضا برای آمادگی مقابله با حوادث اشاره می نماید. "فعالیت های خطرناک" به شیوه ای متفاوت، همان طور که در پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل تعریف شده اند، در ماده (۱) (ب) آمده است: «...هر گونه فعالیتی که در آن یک یا چند ماده خطرناک که قادر به ایجاد اثرات فرامرزی است به مقدار و یا بیش از مقدار آستانه ذکر شده در ضمیمه I استفاده شده باشد». هم چنین در ماده ۱(ج) درمورد عناصر "محیط زیست" که ممکن است اثرات فرامرزی جانی داشته باشند آمده است: «اثر به معنی هرگونه نتیجه نامطلوب مستقیم یا غیر مستقیم، فوری و یا با تأخیر ناشی از یک حادثه صنعتی بر موارد زیر است (از میان چیزهای دیگر): (الف) انسان، گیاهان و جانوران. (ب) خاک، آب، هوا و چشم انداز، (ج) تعامل بین عوامل (الف)، (ب) و (د) دارایی های مادی و میراث فرهنگی، از جمله بناهای تاریخی». کنوانسیون هلسینکی در ماده ۲ (۱) هم چنین به تعریف آلودگی پرداخته است، نه خسارت. (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۳: ۵۲) این ماده اشعار دارد: «انتشار مواد یا انرژی به درون دریا که موجب بروز خطر برای سلامت بشری، آسیب به منابع زنده و اکوسیستم دریایی، ایجاد اختلال در کاربری های قانونی از دریا همانند ماهی گیری، برهم زدن کیفیت آب دریا می گردد»، که البته این تعریف همانند تعریفی است که در کنوانسیون حقوق دریاها آمده است و این سوال را مطرح می کند که منظور از

۱ - The ۱۹۹۱ United Nations Convention on Environmental Impact Assessment in a Transboundary Context (the Espoo Convention) .

مواد یا انرژی هایی که موجب بروز مسوولیت یا خطر می گردند چیست؟ در ماده ۳(۱) این کنوانسیون مجموعه ای از تعهدات کلی برای پیش گیری از آسیب به انسان و محیط زیست را بیان نموده است: اقدامات «پیش گیری، آمادگی و پاسخ، از جمله اقدامات بازسازی باید با هدف کاهش میزان و شدت حوادث و کاهش اثرات آن ها به کار گرفته شوند» (۴۵). بر تعهدات معمول از مشاوره و تبادل اطلاعات با دولت آسیب دیده، کشورهای عضو باید اقدامات قانونی، نظارتی، اجرایی و مالی مناسب را برای پیش گیری، آمادگی و پاسخ به حوادث صنعتی ماده (۴) ۳ انجام دهند. ماده ۱۳ درخواست همکاری برای "حمایت از تلاش های بین المللی برای شرح قوانین، ضوابط و روش ها در زمینه مسوولیت و تعهد را دارد. (آرش پور، ۱۳۹۱: ۷۷)

بند نهم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در اعلامیه ی ریو ۱۹۹۲

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است اعلامیه ی کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه ۱ (اعلامیه ریو) می باشد اعلامیه ریو ضمن تأیید مفاد اعلامیه استکهلم، در اصل ۲ خود استفاده غیر زیان بار از سرزمین را پیش بینی می کند. این اصل در واقع همان اصل ۲۱ مندرج در اعلامیه استکهلم است ولی با این تفاوت که در اصل ۲ اعلامیه به دنبال عبارت سیاست های محیط زیستی واژه «توسعه» اضافه شده است. مجمع عمومی در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ طی قطعنامه شماره ی ۲۲۸ در باره ی محیط زیست و توسعه ۲ اعلامیه ریو را در سال ۱۹۹۲ در برزیل تصویب کرد. در مجموع مسائل مهمی در این کنفرانس مطرح شد از جمله: محافظت از اتمسفر، کنترل آلودگی هوا، حفاظت از تنوع گونه ها، دفع صحیح مواد زائد، بهبود کیفیت زندگی، سلامت انسان ها، حفاظت از اقیانوس ها، جلوگیری نشت مواد نفتی و گازی، حفاظت از جنگلها و بالاخره مسایل مالی در جهت مبارزه با آلودگی محیط زیست.

۱- (The United Nations Conference On Environment and Development (UNCED)

۲- (The United Nations Conference On Environment and Development (UNCED)

این کنفرانس در ۱۴ ژوئن با تصویب سه متن غیرالزام آور به کار خود پایان داد: اعلامیه ی کنفرانس ملل متحد درباره ی محیط زیست و توسعه، اعلامیه ی اصول در مورد جنگلها و طرح اقدام برای قرن. ضمناً در حاشیه این کنفرانس، ۲ کنوانسیون دیگر هم به تصویب رسید که عبارت بود از: کنوانسیون تنوع گونه های زیستی (بیولوژیکی) و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (اقلیمی) که جمعا استاد تصویب شده در این کنفرانس را می توان پنج سند ذکر کرد. اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه که به اعلامیه ریو نیز مشهور است، مشتمل بر ۲۷ اصل کلی برای تعیین وظایف دولتها در قبال توسعه و محیط زیست است. این سند در حقیقت تأکیدی مجدد بر اعلامیه ی ۱۹۷۲ استکهلم است و درصدد است راه میانه ای از طرق گوناگون برگزیند. در ماده ی ۲ اعلامیه ی ریو بحث به صورتی خاص تر مطرح گردید، و تکلیف دولت ها به عدم آلودگی خلاصه گشته و آن هم به عدم آلودگی آبراه های دریاچه های بین المللی و رای مرزهای آن کشور محدود شده است.

بند دهم: مسئولیت بین المللی ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای حقوق بشر در کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون لوگانو ۱۹۹۳ می باشد. در کنوانسیون لوگانو مسوولیت مدنی به طور کامل به حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر اختصاص داده شده است. این کنوانسیون تلاش می کند غرامت کافی را برای خسارت ناشی از فعالیت هایی که برای محیط زیست خطرناک هستند، تضمین کند. یک "فعالیت خطرناک" یک فعالیت حرفه ای است که شامل مواد خطرناک، موجودات و یا میکرو ارگانیسم های خطرناک و اصلاح شده ژنتیکی و عملیات مربوط به زباله است. ماده ۲(۱) فعالیت های خطرناک را تعریف می کند. پاراگراف ۲ مواد خطرناک را تعریف می کند. در ضمایم مختلف فهرست مواد خطرناک که ویژگی نشان گر و غیر جامع دارند ارایه شده است. پاراگراف ۳ موجودات اصلاح شده ژنتیکی را تعریف می کند و پاراگراف ۴ "میکرو ارگانیسم" را بیان می نماید. (زارعی، ۱۳۹۰: ۶۵) تعریف سابق با تعریف موجود در کنوانسیون لوگانو که از متن های اخیر در مورد مسوولیت مدنی است، تفاوت قابل توجهی دارد. ماده ۲ (تعاریف)، پاراگراف ۷، پس از اشاره در پاراگراف (الف) و (ب) که به خسارت به افراد و اموال، اختصاص دارد، پاراگراف (ج) به محیط زیست

اختصاص دارد و پاراگراف (د) و بند ۸ این ماده با هم مرتبط هستند. بند ۷ ماده ۲ بیان داشته است:

الف- از دست دادن زندگی و یا خسارت شخصی.

ب- از دست دادن یا خسارت به اموال غیر از نصب خود و یا اموال تحت کنترل اپراتور در محل فعالیت خطرناک بر گزار شد.

ج- زیان یا خسارت از طریق اختلال در محیط زیست که در معنای خسارت در پاراگراف الف یا ب در نظر گرفته نشده است. در بالا بیان شده که جبران ۵ اختلال در محیط زیست، به غیر از دست دادن سود حاصل از آن اختلال، باید به هزینه های اقداماتی که در واقع باید برای احیا انجام شود و یا انجام شده است محدود شود.

د- هزینه اقدامات پیش گیرانه و هرگونه زیان یا خسارت ناشی از اقدامات پیش گیرانه، تا جایی که زیان و یا آسیب که در پاراگراف-های فرعی الف تا ج این پاراگراف اشاره شده است، از خواص خطرناک مواد خطرناک، ارگانسیم های اصلاح شده ژنتیکی و یا میکرو ارگانسیم ها ناشی می-شود و یا از زباله- ها نشات می گیرد (رئییسی؛ ۱۳۹۱: ۵۷)

بند یازدهم: مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از آلودگی زیست محیطی در کنوانسیون ۱۹۹۶ (HNS)

یکی دیگر از کنوانسیون های بین المللی که به مساله مسئولیت ناشی از آلودگی زیست محیطی بر مبنای محدود نمودن گستره حاکمیت دولت ها و مسئولیت آنها در قبال خسارات زیست محیطی توجه نموده است کنوانسیون بین المللی مسوولیت و جبران برای خسارت در ارتباط با حمل مواد خطرناک و سمی در دریا (کنوانسیون ۱۹۹۶ (HNS) می باشد. این کنوانسیون در تعریف مسئولیت ناشی از خسارت و جبران آن در قبال محیط زیست و افراد این چنین اشعار دارد: «الف) از دست دادن زندگی و یا صدمه شخصی در عرشه و یا خارج از کشتی حمل مواد خطرناک و مضر ناشی از آن مواد، ب) از دست دادن یا خسارت به اموال در خارج از کشتی حمل مواد خطرناک و سمی ناشی از آن مواد، ج) از دست دادن یا خسارت ناشی از آلودگی محیط زیست ناشی از مواد خطرناک و سمی که جبران خسارت را برای اختلال در محیط زیست فراهم می کند، به غیر از دست دادن سود حاصل از چنین اختلال باید به هزینه

های اقدامات معقول بازگشت محدود شود که در واقع انجام شده و یا انجام می شود و (د) هزینه های اقدامات پیش گیرانه و علاوه بر آن از دست دادن یا خسارت ناشی از اقدامات پیش گیرانه. بر اساس حقوق مسوولیت ناشی از شبه جرم (مسوولیت مدنی)، خسارت به صدمه ای اطلاق می شود که به یک فرد یا یک گروه یا به طور دقیق تر به حقوق آن ها وارد می شود. این تعریف مستقیماً نمی تواند تا حدودی که منافع تملیک نشده زیست محیطی تحت تاثیر قرار گرفته باشند، در مورد خسارات زیست محیطی مورد استفاده قرار گیرند. این امر نه تنها مساله نحوه تعیین و تشخیص "خواهان مناسب" می باشد، بلکه نحوه ایجاد و تعیین ارزش مناسب برای محیط زیست یا اجزای آن نیز هست. (ریسی، همان : ۷۱) در این خصوص باید توجه داشت که معاهدات بین المللی زیست محیطی به طور اتفاقی به ارزش "ارزش ذاتی" محیط زیست اشاره می کنند. برای مثال، ماده ۳ پروتکل الحاقی حفاظت از محیط زیست، به معاهده جنوبگان، "ارزش ذاتی جنوبگان از جمله زیبایی و جالب توجه بودن آن" را به رسمیت می شناسد و برای حفاظت از آن تلاش می کند. عبارت مشابه آن را می توان در مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی یافت. با اشاره به این کنوانسیون ها و پس از ارزیابی معاهدات بین المللی موجود محرز می گردد که هرچند در معاهدات بین المللی زیست محیطی به طور اتفاق به ارزش ذاتی محیط زیست اشاره می کنند، اما در مورد تعریف خسارت به محیط زیست، عقاید مشترکی وجود ندارد. برخی، بین پیامد وارده بر محیط زیست و محدوده ای که باید زیانبار تلقی شده و در نتیجه خسارت را تشکیل می دهد، تفاوت قایل می شود. این تفاوت گذاری و مرزبندی به روشنی حاکی از این است که اقدامات انسان، همیشه دارای آثار زیست محیطی است، اما هر اثر و پیامدی، غیر قابل تحمل و زیان بار نیست. معمولاً تلاش می شود تا آستانه مذکور معلوم شود، لیکن کلمات مورد استفاده نظیر تغییرات مهم با آثار زیان بار و ناروا، اختلال در محیط زیست، اثر زیان آور و نظایر آن، این واقعیت را مخفی می کند که در بیش تر مواقع، محدوده و آستانه ی تلقی یک پیامد زیست محیطی به عنوان خسارت، به هدف تعقیب شده توسط فعالیت موجد پیامد مذکور از یک سو و قابل احتراز بودن یا نبودن پیامد مذکور از سوی دیگر، بستگی دارد. از سویی در ماده ی ۳۰ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت ها، مصوب مجمع عمومی به سال ۱۹۷۴ طی قطع نامه ی ۳۲۸۱ مقرر شده است که دولت ها طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل حق دارند بر اساس سیاست های خود در مورد محیط زیست، از منابع خود بهره برداری کنند و مسؤول اند تضمین نمایند که فعالیت های مزبور در محدوده ی صلاحیت یا مراقبت آن ها به محیط زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از

محدوده‌ی صلاحیت ملی خسارت وارد نمی‌آورد. (مستقیمی، طارم سری، ۱۳۹۲: ۳۰) در قضیه‌ی جزیره‌ی پالما میان هلند و ایالات متحده (۱۹۸۲) اشاره کرد. در رأی داوری مربوط به این قضیه آمده است که «حاکمیت به سرزمین» متضمن حق انحصاری یک دولت برای انجام فعالیت است. این حق وظیفه‌ای جنبی به همراه دارد، یعنی تعهد دولت به حفظ حقوق دولت‌های دیگر در سرزمین خود. (همان، ص ۳۰) در قضیه‌ی تریل اسملتر میان ایالات متحده و کانادا آمده است: «هیچ دولتی حق ندارد از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه چنان استفاده‌ای را بدهد که به سرزمین دولت دیگر یا به اموال و اشخاص واقع در آن لطمه وارد آید، به شرط آن که این استفاده دارای آثار جدی بوده و لطمه به دلایل روشن و متقاعدکننده محرز باشد.» ماده‌ی ۳ و ۴ طرح پیش‌نویس کمیسیون، دولت‌ها را به پیش‌گیری از آلودگی‌های فرامرزی قابل توجه و یا کاهش خطر آن به حداقل، موظف می‌کند. البته تعهد دولت‌ها در این باره تعهد به وسیله است نه نتیجه. با توجه به این که در اعلامیه‌ی فوق‌الذکر اشاره به حق حاکمیت دولت‌ها شده است و مواد این اعلامیه‌ها و از جمله اصل مذکور با توجه به این حق تدوین گشته است، می‌توان گفت اصل استفاده‌ی غیرزیان‌بار مقدم بر حق حاکمیت و حاکم بر آن است. بر اساس آن چه در این اعلامیه‌ها آمده است، دولت‌ها موظفند تا از منابع خود به گونه‌ای استفاده کنند که زیانی به دولت‌های همسایه وارد نیاید و آنان موظف به پیش‌گیری از ورود خسارت به محیط زیست دول دیگر و مناطق خارج از صلاحیت خود هستند چه خود مباشر به بهره‌برداری از منابع باشند و چه دیگران به اجازه و هم‌آهنگی با آنان این کار را انجام دهند دولت دارای حاکمیت مسؤول شناخته خواهد شد. هم‌چنین بنا بر آن چه در این اعلامیه‌ها آمده است، دولت‌ها موظف به پیش‌گیری از وارد آمدن خسارت و به حداقل رساندن آن در فرض ضرورت هستند. پس وظیفه‌ی دولت‌ها به جبران خسارت خلاصه نگشته بلکه آن‌ها مکلف به پیش‌گیری می‌باشند. دولت‌ها باید نسبت به فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت و یا نظارت آن‌ها صورت می‌پذیرد مراقب باشند که موجب ورود خسارت زیست محیطی به دیگر کشورها نگردد. همان‌طور که ملاحظه شد در این اعلامیه‌ها دولت موظف به اتخاذ تدبیر برای عدم ورود خسارت و آلودگی به محیط زیست سایر دولت‌ها می‌باشد و این اصل به همراه تأکید بر وجود حاکمیت آن‌ها بر منابع طبیعی ذکر شده است. اما اگر دولتی در وظیفه‌ی پیش‌گیری از ایراد خسارت به محیط زیست سایر دول در هنگام استفاده از منابع طبیعی خود قصور ورزیده چه مسؤولیت‌هایی متوجه او می‌گردد، امری است که در این اعلامیه‌ها به آن پرداخته نشده است. دادگاه داوری در قضیه‌ی کارخانه‌ی تریل بین ایالات متحده‌ی آمریکا و کانادا این گونه

نتیجه گیری

رای داد و تأکید کرد که مطابق اصول حقوق بین الملل «هیچ کشوری حق ندارد از قلمرو خویش به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که دودهای حاصله موجب خسارت به سرزمین کشور دیگر و یا مالکیت اشخاصی که در آن جا هستند شود. (همان، : ۶۵)

نفت و گاز به عنوان مهمترین منابع انرژی نقش محوری در اقتصاد جهانی دارند. روند روبه رشد صنعتی شدن و تجدید نا پذیر بودن این منابع باعث شده که این دو عنصر در آینده نیز همچنان این نقش را حفظ نمایند. دسترسی به منابع غنی نفت و گاز باعث تسلط انحصاری دولتها در زمینه بهره برداری و تصمیم گیری در حوزه استفاده از این منابع در قلمرو سرزمینی آنها داشته است، به طوری که به موجب اصل حاکمیت دولت ها بر منابع فضای سرزمینی خود موجب شده که دولت ها بهره برداری و توسعه و فروش منابع میادین نفتی و گازی را برعهده بگیرند، چرا که حقوق اولیه و دائمی استفاده از این منابع برعهده کشوری است که این منابع در حوزه سرزمینی آنها واقع شده است. اصل حاکمیت در منابع نفت و گاز در حوزه حقوق بین الملل اصل مشخص و شناخته شده ای می باشد به گونه ای که این اصل نه تنها از سوی اسناد و کنوانسیون های مهم بین المللی مورد شناسایی قرار گرفته است، بلکه دیوان بین المللی دادگستری نیز در دعاوی بین المللی در این زمینه ها حق حاکمیت دولتها را در حوزه منابع طبیعی در نظر گرفته و در حوزه صدور رای در این زمینه هیچ نوع تهدیدی را به خود راه نداده است.

یافته های پژوهش نشان می دهد که اصل حاکمیت بر منابع طبیعی نفت و گاز در نظام حقوق بین المللی به عنوان یک اصل اساسی و دائمی برای کشورهای صاحب آن مورد توجه قرار گرفته است ولی در حوزه مسائل بهره برداری اقتصادی بخصوص در زمینه بهره داری ناشی از مالکیت در حوزه های نفتی و گازی با محدودیت هایی روبرو شده است، به گونه ای که می توان در این زمینه به مسائلی همچون بحران و خسارات زیست محیطی ناشی از استفاده از این منابع اشاره کرد. براین اساس حاکمیت بر منابع طبیعی نفت و گاز حاکمیتی مطلق به حساب نمی آید و در برخی جهات با محدودیت هایی همراه می باشد چراکه استفاده از این منابع با توجه به عوارض و اثراتی که بر محیط زیست دارد می تواند دولت ها را در حوزه حفظ محیط زیست به عنوان "میراث مشترک بشریت"

مكلف به پرداخت غرامت و همچنین جبران خسارت های زیست محیطی اشاره نمود.

در یک جمع بندی نهایی باید بیان کنیم که مفهوم اصل حاکمیت بر منابع نفت و گاز توسعه هایی پیدا کرده است به گونه ای که اصل حاکمیت بر منابع نفت و گاز به موازات اثبات حاکمیت برای دولتی که این منابع در قلمرو آن واقع شده است، هر گونه حقی را از دیگران درباره ی این منابع، نفی می کند و استفاده از منابع طبیعی آنان را به اجازه ی دولت های مربوطه و عقد قرارداد منوط می داند. از سویی یافته های پژوهش نشان می دهد که تعهدات زیست محیطی دولت ها، اصل حفاظت از محیط زیست، اصل احتیاطی، اصل جلوگیری، اصل پرداخت آلوده ساز، در حوزه حقوق بین الملل محیط زیست و مسئولیت دولت ها ناشی از خسارت به محیط زیست از جمله محدودیت های حاکم بر مفهوم اصل حاکمیت دولت ها بر منابع نفت و گاز در حقوق بین الملل تلقی می شود.

منابع و مآخذ

- امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۷۴)، «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵،
- آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۱)، مسئولیت بین المللی نقض تعهدات زیست محیطی، پایان نامه دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق دانشگاه تهران
- پورهاشمی، عباس، (۱۳۹۲)، ارغند، بهاره، حقوق بین الملل محیط زیست، انتشارات دادگستر
- تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، خرسندی،
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق؛ تهران ناشر: انتشارات گنج دانش
- حبیبی، محمدحسن، (۱۳۹۱)، حقوق بین الملل محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران
- درایتی، حمید (۱۳۸۹) حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی در حقوق بین الملل اقتصادی کارشناسی ارشد مرکز پیام نور تهران، دانشکده حقوق
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، انتشارات روزانه، تهران،
- زارعی، سحر، (۱۳۹۰). نظام حقوقی مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال خسارات زیست محیطی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- رمضان قوام آبادی، محمد حسین، (۱۳۹۰)، پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان های غیر دولتی در نظام حقوقی ایران، مجله حقوقی (علمی پژوهشی)، سال ۷۵، شماره ۷۵
- ریسی، لیلا (۱۳۹۱)، رابطه حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بشر کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی شهید اشرفی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۳) بنیادهای علم سیاست تهران؛ انتشارات نشر نی
- عباسی، عادل و حجتی، علی، (۱۳۹۲) حقوق منابع طبیعی، انتشارات فکر سازان، تهران،
- سبحانی، فریدون، (۱۳۸۶) زمین شناسی نفت، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
- سایانی، علیرضا و شهبازی، علیداد، (۱۳۹۶)، حمایت از محیط زیست از منظر حقوق بین الملل بشر، ماهنامه پژوهش ملل، شماره ۱۶
- ضیایی، سید یاسر، (۱۳۹۳)، جایگاه تعهدات زیست محیطی در حقوق بین الملل سرمایه گذاری،

دوره ۱۵، شماره ۴۲

- عمید، حسن، (۱۳۸۵) فرهنگ فارسی عمید، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر،
- علی دوستی شهرکی، ناصر (۱۳۸۸)، جبران خسارت سلب مالکیت در سرمایه‌گذاری خارجی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، بهار و تابستان، شماره ۴۶ و ۴۷
- قاسم زاده، روح اله، (۱۳۸۶) بررسی ابعاد حقوقی محیط زیست با تأکید بر جنبه‌های پیش‌گیری از آلودگی محیط زیست، مجله فلسفه، کلام نو عرفان، شماره ۱۵
- کاتوزیان، ناصر، مهدی انصاری (۱۳۸۷) مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی، مقاله ۱۴، دوره ۳۸، شماره ۲
- کاشانی، جواد، (۱۳۹۲) منابع نفت و گاز مشترک از منظر حقوق بین الملل، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش،
- کاشانی، سید صادق، (۱۳۸۸) توسعه میادین نفت و گاز: ساختارها و رویکردهای اجرای پروژه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،
- محبی، محسن، (۱۳۹۳) دیوان داوری دعاوی ایران، ایالات متحده آمریکا (ماهیت، ساختار، عملکرد)، ترجمه محمد حبیبی مجنده، انتشارات فردافر، تهران،
- محبی، محسن، (۱۳۹۲) مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی سلب مالکیت و غرامت در قراردادهای نفتی، تهران: انتشارات شهر دانش
- موحد، محمد علی (۱۳۹۲)، نفت و مسائل حقوقی آن، تهران: انتشارات خوارزمی، تهران
- معین؛ محمد، (۱۳۸۶)؛ فرهنگ معین؛ تهران انتشارات زرین
- مستقیمی، بهرام، طارم سری مسعود (۱۳۹۲) مسئولیت بین المللی دولت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- موسوی، سید فضل الله، قیامیان، فهیمه، (۱۳۹۰)، « جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین الملل، فصلنامه حقوق دوره ۴۱ شماره ۱
- نعمت اللهی، مینو، (۱۳۹۰) مبانی مهندسی نفت و گاز، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز

